قابل توجه داوطلبان مقام رياست جمهوري

پروفسور شاپور رواساني

همة داوطلبان محترم در فرمايشات خود قول استقرار عدالت؛ عدالت اجتماعي و مردم سالاري را در جامعه؛ در صورت پيروزي در انتخابات به ما مي دهند. اين تعهد بسيار زيباست اما با كمال احترام توجه اين بزرگان را به اين نكته جلب مي نمايم:

عدالت؛ عدالت اجتماعي در جامعه اي استقرار مي يابد كه در آن حق حيات و حرمت بشري همة اعضاء آن جامعه در همة شئون رعايت شود.

و مردم سالاري بدين معناست كه سالاري (حاكميت) مردم در همة زمينه ها پذيرفته و اعمال شود. حق حيات و سالاري مردم را نمي توان تجزيه و به بخشها و زمينه هاي خاصي محدود و منحصر كرد. ايجاد و قبول چنين تجزيه و محدوديتي در حكم نفي كل حق حيات مردم و مردم سالاريست.

چون ساختار جامعه همة زمينه هاي فرهنگي سياسي اجتماعي و اقتصادي را در بر مي گيرد لذا رعايت حق حيات همة افراد جامعه و قبول حاكميت (سالاري) مردم شامل همة اين زمينه ها مي گردد. و نمي توان حق حيات و حاكميت جامعه را در هيچيك از اين زمينه ها؛ منجمله زمينه اقتصاد از جامعه سلب نمود و به يك اقليت سپرد. با توجه به اين حقايق روشن مي گردد كه نظام اقتصادي-اجتماعي سرمايه داري كه در آن قدرت اقتصادي (سرمايه ها و ثروتها) در اختيار و تملك يك اقليت (به نام بخش خصوصي) قرار دارد منافي و مغاير با اعمال مردم سالاري و حق حيات و حرمت بشري تمام افراد جامعه است. لذا داوطلبان محترم نمي توانند در يك طرف از استقرار عدالت؛ عدالت اجتماعي و مردم سالاري سخن بگويند و در همان حال از سرمايه داري (حاكميت بخش خصوصي) و دخالت و مشاركت سرمايه هاي خارجي در اقتصاد جامعة ما دفاع كنند. اين چنين رفتاري ؛ و گرفتاري در چنين تضاد و تناقضي؛ اهانت به شعور مردم كشور ماست. دگر اينكه كسي كه جانبدار سرمايه داري (حاكميت بخش خصوصي) و دخالت دادن سرمايه هاي خارجي در اقتصاد كشور باشد نمي تواند جانبدار منافع كارگران؛ كشاورزان؛ بيكاران و محرومين كه اكثريت جامعة ما را تشكيل مي دهند نيز باشند زيرا جانبداري از سرمايه داري و سرمايه هاي خارجي نفي حق حيات و حرمت بشري و مردم سالاري است و با عدالت؛ عدالت اجتماعي در تضاد قرار دارد.